



تحليل سياست خارجي ايران

بررسی زمینه های سیاسی و اقتصادی روابط با
ترکیه و عراق جدید

مؤلفین:

دکتر حشمت اله فلاح پيشه

(عضو هیات علمی گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه

علامه طباطبایی)

بهنام اسدی

(مدرس دانشگاه)

انتشارات قانون یار

۱۳۹۴

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات

بخش اول: تعریف منازعه و همکاری

بخش دوم: بررسی مفهوم سیاست خارجی

بند اول: سیاست خارجی از دیدگاه اسلام

بند دوم: واکاوی سیاست خارجی ایران از بدو انقلاب

بخش چهارم: تحلیل تغییر الگوی رفتاری سیاست خارجی

به مصالحه و همزیستی

بند اول: کاربرد نظریه بازیها در بررسی رقابت و

همکاری در روابط بین الملل

بخش پنجم: بررسی انواع بازیها در روابط بین الملل به طور

کلی

بند اول: بازی با حاصل جمع جبری صفر

بند دوم: بازی با حاصل جمع غیر صفر یا حاصل جمع

متغیر

فصل دوم: تحلیل و بررسی همکاری بین المللی بر اساس مکاتب فکری مختلف و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سه دوره تاریخی

بخش اول: لیبرالیسم و همکاری بین المللی

بخش دوم: رویکرد ارتباطات و همکاری بین المللی بر
اساس نظریات و مکاتب مختلف

بند اول: بررسی نظریه کارکردگرایی و همکاری بین

المللی

بند دوم: بررسی نظریه نوکارکردگرایی و همکاری بین

المللی

بند سوم: بررسی نظریه صلح دموکراتیک و همکاری

بین المللی

بند چهارم: بررسی نولیبرالیسم و همکاری بین المللی

بخش سوم: بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی

ایران در سه دوره تاریخی

بند اول: بررسی سیاست خارجی ایران در دوره اول

(۱۹۷۹-۸۰)

بند دوم: بررسی سیاست خارجی ایران در دوره دوم،
رادیکالیسم (با تأکید بر شیوه رابطه ملت‌ها (۱۹۱۸-
(۱۹۱۰)

بند سوم: بررسی سیاست خارجی ایران در دوره سوم

فصل سوم: بررسی جایگاه و موقعیت جغرافیایی و سیاسی عراق

بخش اول: بررسی موقعیت جغرافیایی و سیاسی عراق به
طور کلی

بخش دوم: بررسی مختصات و ویژگی‌های سیاسی و
اقتصادی عراق جدید

بند اول: تفاوت عراق قدیم و جدید با کشورهای
همسایه از منظر جغرافیایی

بند دوم: بررسی تفاوت عراق قدیم و عراق جدید از
منظر سیاست بین‌المللی

بند سوم: تحلیل و بررسی کشورهای ذی‌نفوذ در عراق
جدید

فصل چهارم: سیاست خارجی نفوذ ایران و ترکیه در عراق جدید

بخش اول: پیشینه نفوذ ایران در عراق

بخش دوم: پیشینه نفوذ ترکیه در عراق

بخش سوم: دیدگاه‌های مشترک ایران و ترکیه راجع به

عراق

بند اول: دیدگاه ایران نسبت به رژیم بعثی عراق در

زمان صدام

بند دوم: سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی

ایران در فبال تهاجم نظامی آمریکا و عراق

بند سوم: سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی

ایران در مورد قانون اساسی موقت عراق

بخش چهارم: دیدگاه‌های جمهوری ترکیه در قبال عراق

بند اول: سیاست خارجی جمهوری ترکیه در قبال

عراق در دوران جنگ سرد

بند دوم: تحول در سیاست منطقه‌ای ترکیه پس از

جنگ سرد

بخش پنجم: موضع گیری ترکیه در بحران کویت و واکنش‌های داخل نسبت به آن

بند اول: اهداف ترکیه از ایفای نقش رسمی در بحران کویت

بخش ششم: چشم داشت ترکیه نسبت به شمال عراق و اشغال عراق توسط آمریکا

بند اول: واکنش و مخالفت داخلی با اعزام نیروهای ترکیه به عراق

بند دوم: مواضع ترکیه در مورد قانون اساسی موقت عراق

فصل پنجم : بررسی اصول کلی سیاست خارجی ترکیه

بخش اول: واکاوی و تحلیل سیاست خارجی ترکیه

بخش دوم: بررسی و تحلیل روابط بین کشور ایران و ترکیه بعد از انقلاب اسلامی

بند اول: سیاست تشنج زدایی دولت ایران و اثرات آن بر روابط با ترکیه

بخش سوم: مبانی و اصول سیاست خارجی ترکیه

فصل ششم: منافع ملی و تفاهمات دو کشور ایران و ترکیه در عراق

بخش اول: نقش تحولات عراق در روابط ایران و ترکیه
بخش دوم: بررسی روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه به عراق جدید
بخش سوم: بررسی روابط اقتصادی ایران و ترکیه در عراق جدید

بخش چهارم: بررسی زمینه های سیاسی و امنیتی تفاهمات و تقابلات منافع ایران و ترکیه در عراق
بند اول: همکاری و تعامل در زمینه های اشتراک منافع ایران و ترکیه در عراق جدید
بند دوم: بررسی روابط تقابلی منافع ایران و ترکیه در عراق

فصل هفتم: تعامل سیاسی و تقابل اقتصادی منافع ایران و ترکیه در عراق جدید

بخش اول: بررسی تعامل و روابط بین ایران و عراق
بخش دوم: بررسی تعامل و روابط بین ترکیه و عراق

بخش سوم: تحلیل رقابت و همکاری اقتصادی ایران و

ترکیه در عراق جدید

بند اول: رقابت در بازار عراق

بند دوم: بررسی زمینه‌های همکاری ایران و ترکیه در

عراق جدید

فصل هشتم: تحلیل نظام سیاسی پس از صدام در

عراق و تاثیر آن بر ایران

بخش اول: بررسی نظام تعامل و اتحاد در عرصه بین الملل

در زمینه های اقتصادی و سیاسی

بخش سوم: بررسی نهایی تقابلات و تعاملات ایران و ترکیه

فهرست منابع و مآخذ

فصل اول: کلیات

بخش اول: تعریف منازعه و همکاری

منازعه، معمولاً به وضعیت و شرایطی اشاره دارد که در آن یک گروه و مجموعه انسانی مشخص و معین اعم از مذهبی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و قومی به دلیل تعارض و ناسازگاری واقعی یا ظاهری اهداف و ارزش‌ها با یک گروه و یا گروه‌های انسانی دیگر تعارض و تضاد آگاهانه دارند. در حقیقت، منازعه نوعی کنش و واکنش متقابل و متعامل افراد و کشورها با یکدیگر است که شامل مبارزه و مقابله آنها با طبیعت و

محیط زندگیشان می شود، منازعه نوعی از رقابت است که در آن طرفین در عین تلاش برای دستیابی به منابع کمیاب سعی می کنند با تقویت موضع و ارتقای موقعیت و منزلت خود، دیگری را از رسیدن به هدف مطلوب باز داشته، منصرف یا خارج نمایند. به عبارت دیگر، منازعه وقتی حادث می شود که طرفین تصویر و درکی از اختلافات میان خود داشته باشند و تلاش نمایند این اختلاف را به نفع خود حل و فصل نمایند و خاتمه دهند.^۱

در سیاست بین الملل، منازعه را به معنای وسیع آن کشمکش، برخورد، مناقشه یا اختلافات میان دو یا چند دولت تعریف کرده اند. از این تعریف چنین بر می آید

^۱ آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، چاپ گلشن، انتشارات سهروردی،

که منازعه مقوله ای بنیادین و یکی از مراکز ثقل سیاست بین الملل است. به قول میلر فرایندی که از ابتدا تا انتها به منازعه برخورد نکند فرایندی سیاسی نیست. جان اسپنسر همین معنا را این چنین بیان می کند: آدمیان با وجود تفاوت از نظر زبان، پوشش و خلق و خویشان، بسیار به یکدیگر شباهت دارند.

اما باید توجه داشت سیاست از جایی آغاز می شود که شباهت های آدمیان پایان می یابد و سیاست از آن رو از اینجا آغاز می شود که بین دولت - ملتها از نظر منافع، ارزشها، نظام های عقیدتی و تاریخ اختلاف و ناهمگونی وجود دارد. همگان خواستار صلح اند، اما فقط مطابق شرایط خودشان.

کنت بولدینگ در تحلیلی عام از منازعه از نظرگاه سیستمی با این بحث آغاز می کند که هر

بازیگر اعم از فرد، گروه ، سازمان یا کشور را می توان به مثابه نظامی در نظر گرفت که به محرکهای درونی و بیرونی پاسخ می دهد. همچنین می توان گفت که هر نظامی دارای دید یا تصویری از موقعیتهای گوناگون در جهان است که مفهوم یا طرح یا نقشی را شامل می شود. او نتیجه می گیرد که وقتی نظام عام به فرایندهای ((وسیله - هدف)) می پردازد، تعداد معینی از حلقه ها (انسان های بالقوه یا بالفعل) با حلقه ها و پیوندهای عاملان (بازیگران) دیگر برخورد می کند و منازعه عموماً هنگامی روی می دهد که یک فرد یا گروه تصور می کند یک یا چند هدف از جانب یک فرد یا گروه دیگر مورد تحدید یا تهدید واقع شده است.^۲

^۲ فاطمی، سید محمد. پایان نامه کارشناسی ارشد با موضوع تأثیر سیاست

همکاری نیز از نظر لغوی مترادف همدستی و هماهنگی به کار می رود اما در متون و نظریه های همکاری بین المللی، همکاری فراتر از هماهنگی است. بر این اساس همکاری عبارت است از انطباق و هماهنگی سیاست ما در راستای منافع مشترک. لذا ممکن است کشورها بدون اینکه سیاست های خود را با یکدیگر منطبق و سازگار کرده باشند هر کدام به صورت یک جانبه عمل نمایند اما در عمل سیاستی هماهنگ با یکدیگر است که برای دستیابی به اهداف مشترک باید یک نوع هماهنگ سازی صورت گیرد. به عبارت دیگر همکاری یک نوع هماهنگی ارادی و

خارجی جمهوری اسلامی ایران «در دو دوره آقای هاشمی و آقای خاتمی» بر گروههای مقاومت اسلامی فلسطین «جهاد اسلامی و حماس». ص ۳۳

انتخاب برای تحقق منافع مشترک است که بدون آن کشورها به هدف نخواهند رسید.

بررسی هوم و چیستی سیاست

سیاست برابر پولیتیک (*Politique*) در زبان فرانسه است که خود ماخوذ از ریشه لاتینی *politicus* و یونانی *politikos* است و از ریشه یونانی *polis* (شهر) گرفته شده است.

در آن زمان *politikos* به معنی: (هنر و عمل حکومت در کشور) به کار می رفت (منظور شهر کشور یا دولت شهرهای یونان است).

سیاست در مفهوم خاص، تدابیری است که حکومت ها در اداره ی امور کشور و تعیین شکل و محتوای

فعالیت خود اتخاذ می کنند و این تدابیر در دو مجرای داخلی و خارجی معمول می گردد:

الف - مجرای داخلی: حکومت ها با اتخاذ تدابیر سنجیده و متناسب با شرایط مادی و معنوی مشخص، امور کشور را اداره می کنند تا اعضاء جامعه به وظایف اجتماعی (به مفهوم عام) خود عمل نمایند.

ب- مجرای خارجی: مربوط است به مناسبات حکومت ها با دولت های دیگر که آن را روابط بین المللی گویند و مبتنی بر قوانین بین المللی است.

معمولاً امور سیاسی متناسب با اوضاع و احوال فرهنگی، اقتصادی و عقیدتی مشترک مردم کشور جریان می یابد. اصطلاح سیاست در امور و پدیده های سیاسی نظیر: نهادهای سیاسی، سازمان های سیاسی، جریان های سیاسی، عقاید سیاسی، مقررات، رسوم و

تشریفات سیاسی و روابط سیاسی مصطلح است و علاوه بر آن در سایر امور به معنی ((مشی)) کاربرد دارد مثل: سیاست اقتصادی، سیاست فرهنگی، سیاست کشاورزی، سیاست مالی، سیاست برنامه ریزی، سیاست اجتماعی، و اقتصاد سیاسی و ...

در یک جامعه باز و پویا که اعضای آن از دانش و بینش نسبتاً مطلوبی برخوردارند، درجه‌ی سهیم شدن مردم در امور سیاسی کشور بالا است و مشارکت ارادی و آگاهانه انجام می‌پذیرد.^۳

سیاست در معنای عام، هرگونه راهبرد و روش و مشی برای اداره یا به‌کرد هر امری از امور،

^۳ آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، چاپ گلشن، انتشارات سهروردی،

چه شخصی چه اجتماعی، ((سیاست)) گفته می شود، چنانکه از سیاست اقتصادی، سیاست نظامی، سیاست مالی، سیاست آموزشی و جز آنها سخن می گوئیم.

سیاست به معنای خاص، هر امری که مربوط به دولت و مدیریت و تعیین شکل و مقاصد و چگونگی فعالیت دولت باشد، از مقوله‌ی امور ((سیاسی)) است. بنابراین، هرگاه از ((سیاست))، به معنای خاص، سخن می گوئیم، همواره با دولت، یعنی سازمان قدرت در جامعه، که نگهبان نظم موجود یا پیش برنده‌ی آنست، سروکار داریم. امور سیاسی شامل مسائل مربوط به ساخت دولت، ترتیب امور در کشور، رهبری طبقات،

مسائل کشاکش بر سر قدرت سیاسی میان حزبها و گروههای با نفوذ و غیره است.^۴

ریمون آرون فرانسوی، سیاست را برابر دو واژه‌ی برنامه، نظر و عمل سیاسی و محل تلاقی و برخورد برنامه‌ها، نظرات و اقدامات سیاسی با صحنه‌ی سیاست می‌داند و به نظر او این دو واژه، لازم و ملزوم یکدیگرند، به طوری که اگر صحنه‌ی سیاست مناسب نباشد، نظر و برنامه‌ی سیاسی در عمل، نتیجه بخش نمی‌شود و چنانچه نظر و برنامه‌ی سیاسی سنجیده و

^۴ فاطمی، سید محمد. پایان نامه کارشناسی ارشد با موضوع تأثیر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران «در دو دوره آقای هاشمی و آقای خاتمی» بر گروههای مقاومت اسلامی فلسطین «جهاد اسلامی و حماس». ص ۳۸

موافق شرایط موجود نگردد از استقبال و کارکرد مورد نظر باز می ماند.

بخش دوم: بررسی مفهوم سیاست خارجی

عبارت است از یک استراتژی یا یک رشته اعمال از

پیش طرح ریزی شده توسط تصمیم

گیرندگان حکومتی که مقصود آن دستیابی به اهدافی

معین، در چارچوب منافع ملی و در محیط بین المللی

است. سیاست خارجی شامل تعیین، اجرا و تامین یک

سلسله اهداف و منافع ملی است که در صحنه بین المللی

از سوی دولت ها انجام می پذیرد. سیاست خارجی هم

چنین می تواند ابتکار عمل یک دولت و یا

واکنش آن در قبال کنش دیگر دولت ها باشد.

در نهایت می توان گفت که در مجموع سیاست خارجی دنباله سیاست داخلی است. براین مبنا مختصات نظام سیاسی از لحاظ ساختاری و رفتاری می تواند نقش موثری در شیوه تبیین منافع، استراتژی ها و هدف ها ایفاء کند.

سیاست خارجی در معنای امروزی آن، همزاد و همراه ((دولت ملی)) است. البته ((سیاست خارجی به قدمت نخستین روابط میان جوامع اولیه است. اما به صورت امروزی آن، از زمان پدیدار شدن نظام دولت های اروپایی در سده هفدهم، وجود داشته است.)) توضیح این که، نظیر دیگر ویژگی های دولت ملی، ابتدا

ردپای این مقوله را در دولت های مستقل امیرنشین اروپایی باید جست.^۵

سیاست خارجی به معنای امروزی، به دنبال حق ((حاکمیت)) دولت ها مطرح می گردد. در شرایط مزبور، به قول مورگنتا: ((سیاست خارجی کشورها در حقیقت ملی نبود، بلکه دودمانی محسوب می شد و احساس یگانگی با قدرت و خط مشی های فرد پادشاه وجود داشت. اما با قدرت و سیاست های یک تجمع مانند ملت، احساس یگانگی نمی شد. همان گونه که گوته در زندگینامه خود می گوید:)) همه ما برای

^۵فاطمی، سید محمد. پایان نامه کارشناسی ارشد با موضوع تأثیر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران «در دو دوره آقای هاشمی و آقای خاتمی» بر گروه های مقاومت اسلامی فلسطین «جهاد اسلامی و حماس». ص ۱۱۱

فردریک (کبیر) ابراز احساسات می کردیم، اما به پروس
اهمیتی نمی دادیم.))^۶

بند اول: سیاست خارجی از دیدگاه اسلام

الف) بخش اول سیاست تاثیر بر سایر ملتها به
مشارکت در برقراری نظم و جلوگیری از ظلم به آنان
است، چون انسانیت یک وحدت واحدی است و انسان
از این نظر که انسان است، خدمت انسان دیگر بر او لازم
است بدون نظر به نظامهای حاکم و دولتها. خداوند می

^۶ علی بابایی، غلامرضا، پیشین، ص ۳۶۰

فرماید: ((چه می شود که شما در راه خدا و

برای نجات مستضعفین مبارزه نمی کنید))^۷

ب) بخش دوم سیاست کوششی در جلوگیری از تاثیر دولتهای خارجی در کشور اسلامی، چون اگر دولت مرکزی در جلوگیری از اثر گذاشتن در کشور دخالت نکند، حکومت خارجی به انواع مختلف در کشور اثر می گذارد^۸ و موجب تضعیف اقتدار کشور و مسلمانان خواهد شد.

بند دوم: واکاوی سیاست خارجی ایران از بدو انقلاب

^۷ سوره نساء، آیه: ۷۷

^۸ شیرازی، سید محمد، سیاست از دیدگاه اسلام، ج ۱، ترجمه باقر فالی - دکتر عبدالصاحب یادگاری، نشر اندیشه های اسلام، قم، ۱۳۶۱. ص ۶۵

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به رهبری
امام خمینی (ره) جوهره سیاست خارجی ایران را تغییر
داده ایران با اتخاذ سیاست نه شرقی، نه غربی و نفی
اتحاد با بلوک های شرق و غرب راهبرد عدم تعهد را به
عنوان جهت گیری سازگار با تجربه تاریخی و بافت
فرهنگی ایران در پیش گرفت، و سیاسی مستقل از
قدرتهای بزرگ را براساس دوری گزینی همسان اتخاذ
کرد.

تاکید جمهوری اسلامی به اتخاذ دیپلماسی مستقل و
فارغ از وابستگی به قدرتهای استکباری بی تاثیر از
تحولات داخلی ایران نبود. برداشتی اخلاقی از وظایف
دولت همزمان با تاکید بر خود باوری، خود اتکایی،
دستیابی به حاکمیت تام، تحقق فرهنگ استقلالی و نفی

خودباختگی و از خود بیگانگی در برابر غرب موجبات اعتقاد به راهبرد مواجهه با نظم هرمونیک دو ابر قدرت امپریالیستی، تلاش برای برقراری نظام عادلانه بین الملل و اهتمام به صدور فرهنگ انقلاب را فراهم آورد که به مکتبی شدن سیاست خارجی منجر شد.

در این دهه جایگزین کردن مرزهای ایدئولوژیک به جای مرزهای جغرافیایی به عنوان گفتمان مسلط در سیاست خارجی به شمار می آمد. از این رو، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی در این مقطع را می توان براساس محورهایی از قبیل آرمانخواهی، ایدئولوژی گرایی، عدالت خواهی، به چالشی

کشاندن قواعد عادلانه نظام بین الملل از جمله حق و کوشش در شورای امنیت سازمان ملل متحد، ارایه تفسیری فرا ملی با تاکید به امت گرایی، اندیشیدن به مسوولیت های

فرامرزی در قبال امت اسلام، پشتیبانی از منافع مستضعفان جهان در مقابل مستکبران، حمایت از نهضت های آزادیبخش، گسترش بیداری اسلامی و ترویج ارزش های انقلاب در جهان اسلام، برقراری نظام عادلانه بین الملل و مبارزه با نظام سلطه جهانی دانست.^۹

بند سوم: اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه امام خمینی (ره)

الف) استقلال، آزادی و منافع ملی - سیاست ایران موضع استقلال و نفی وابستگی قدرتهای بزرگ را دنبال می کرد و در پی منافع ملی و قطع وابستگی و

^۹ دهشیری، محمدرضا، ((چرخه آرمان گرایی و واقع گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران)) فصلنامه سیاست خارجی، سال پانزدهم ش ۲ (تابستان ۱۳۸۰)

خود کفایی بود همانطور در سخنان امام خمینی (ره) در مصاحبه با روزنامه دی ولت گرانت آمده.

((سیاست ما همیشه بر مبنای حفظ آزادی و استقلال و حفظ منافع مردم است که این اصل را هرگز فدای چیزی نمی کنیم))

((ما در تمام زمینه ها، در جهت منافع مردم خود گام بر می داریم و با آنچه صلاح آنان و پاسخگوی آرمان اسلامی آنان باشد عمل می کنیم))

ب) نفی سلطه گری و ظلم : جمهوری اسلامی ایران به هر گونه سلطه گرای و ظلم در مورد دولتها و ملتها مخالف است و هیچگونه ظلم و تعدی را نسبت به کشور خود تحمل نخواهد نمود.

((ما تعدّی به هیچ کشوری به واسطه دستوری که به ما رسیده است از اسلام، نخواهیم کرد، و تجاوز به هیچ فردی نخواهیم کرد و نباید کرد))

ج) اصل احترام متقابل و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر: ((روابط ما با تمام خارجیها براساس اصل احترام متقابل خواهد بود، در این رابطه نه به ظمی تسلیم می شویم و نه به کسی ظلم خواهیم کرد و در تمام زمینه ها و قراردادهای براساس مصالح ملت عمل می نمایم)).^۱

سیاست های کلان جمهوری اسلامی ایران

سیاستهای کلان جمهوری اسلامی ایران ریشه در میراث سیاسی و فرهنگی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ دارد.

^۱ داستانی بیرکی، علی، سیاست خارجی و روابط بین الملل (از دیدگاه امام خمینی)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک ۱۳۷۹-۴۸-۵۳

فرهنگی که به پیروزی انقلاب منجر شد و به اصول و ساختارهایی تبدیل گشت که اهداف سیاست خارجی کشور را می توان از آنها مشتق نمود. با توجه به قانون اساسی و عملکرد ایران، سیاستهای کلان را می توان در سه قسمت تقسیم بندی کرد: ^{۱۱}

الف) حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت ملی:

این سیاست یعنی حفظ تمامیت ارضی و تأمین حکومت ملی، عرف جهانی است و هدفی است که هر کشور- ملتی به دنبال آن می باشد. این هدف حالت طبیعی داشته و هر نظام سیاسی با هر مجموعه از اولویتها، بدین گونه مسائل توجه خاصی خواهد نمود.

^{۱۱} فاطمی، سید محمد. پایان نامه کارشناسی ارشد با موضوع تأثیر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران «در دو دوره آقای هاشمی و آقای خاتمی» بر گروههای مقاومت اسلامی فلسطین «جهاد اسلامی و حماس». ص ۳۹

ب) دفاع از مسلمانان و نهضت‌های آزادیبخش و
تعارض با اسرائیل و استکبار: دفاع از مسلمانان و
نهضت‌های آزادیبخش به معنای دفاع از منافع یک پنجم
جمعیت کره زمین خواهد بود که کاری است عملی،
ولی مستلزم امکانات و قدرت و توانمندی‌های فوق
العاده‌ای است که پیچیده‌تر و دارای تفاوتها و چه بسا
تضادهای جدی در میان کشورها و اقدام مختلف است.

ج) استقرار یک جامعه اسلامی بر اساس مبانی شیعی
: این هدف هر چند ظاهر داخلی دارد ولی با توجه به
هدف دوم سیاست خارجی، عواقب بیرونی خواهد
داشت زیرا ایجاد یک نظم اسلامی در ایران، تعاملات
ایران با محیط بیرونی خود را بطور خاصی شکل می‌دهد
و ممکن است با دنیایی که دین را یک انتخاب فردی می

داند و در کشورهای مسلمان نشین که با نظامهای سلطنتی و اقتداری اداره می شوند، زمینه های تضاد ایجاد کند.^{۱۲} سیاستی که جمهوری اسلامی ایران در دوران پس از انقلاب به واسطه آرمانها و اعتقادات برای خود طراحی کرده است، ریشه در جهانشمول و فلسفی و جهان و کلان و فراگیر و ابدی بودن اعتقادات اسلام دارد. اما مشکل اینجاست که مقررات ایران پاسخگوی اهداف جمهوری اسلامی نیست، هر هدفی به حجمی از قدرت نیازمند است. ایجاد زمینه های رشد و پیشرفت در میان مسلمانان تابع استقلال، امکانات و عقل جمعی آنان خواهد بود. اگر مسلمانان نوعی برنامه ریزی را برای دو

^{۱۲} سریع القلم، محمود، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران «بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف» تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک ۱۳۷۹، صص

قرن آینده، نمایند، و اجماعی میان آنها برای حصول به استقلال و شوکت؟ بوجود آید، طبعاً این کار عملی است، ولی حد اعلاى روابط میان دو یا چند کشور به صورت همگرایی است که خود همگرایی نیز محدودیتهایی را داراست.^{۱۳}

جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به اهداف سه گانه خود نیاز به ائتلاف و اتحاد دارد که این اتحاد و ائتلاف با کشورها در وضعیت کنونی جهان و منطقه با توجه به حاکمیت های آنها بسیار بعید به نظر می رسد

^{۱۳} فاطمی، سید محمد. پایان نامه کارشناسی ارشد با موضوع تأثیر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران «در دو دوره آقای هاشمی و آقای خاتمی» بر گروههای مقاومت اسلامی فلسطین «جهاد اسلامی و حماس». ص ۴۲

واژه بعد واقع گرایی تعدیل در سیاستهای کلان صورت خواهد گرفت.

بخش سوم: اصول و مبانی سیاست خارجی

بر اساس مواضع جهانی و منطقه ای

الف) تأکید بر ارزشهای اسلامی : حفظ ارزشها و حرمت مقدسات جمهوری اسلامی ایران بر هر نوع رابطه سیاسی و اقتصادی با هر کشوری ارجعیت قطعی دارد. هر کشور و هر شخصی که ارزشها و مقدسات اسلام و جمهوری اسلامی ایران را مورد هتک قرار بدهد با او برخورد می کنیم. پایبندی جمهوری اسلامی ایران به مواضع اصولی خود و مقاومت در برابر بی عدالتی های قدرتهای زور مداری عالم موجب تحقیر آنان شده است و به همین دلیل است که دشمنان بسیاری

داریم، که باید برای دفاع از کشور در همه ابعاد همواره آمادگی کامل داشته باشیم.^{۱۴}

جمهوری اسلامی ایران روابطش را با دیگر کشورها در چارچوب ارزشهای اسلامی و ملی تعریف می کند و در این راستا نه به حق و حقوق کشوری تجاوز کرده و نه اجازه تجاوز و تعدی به حقوق خود را می دهد.

ب) تأکید به نفی سلطه: ایران با تصمیمهای مستقلی که خود می گیرد، خط مشی و راه زندگی را تعیین می کند. توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی ایران نشأت گرفته از استقلال سیاسی کشور است، ایران همه تصمیمات اعم از سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را با تکیه بر ارزشهای اسلامی که به آن معتقد است می گیرد.

^{۱۴} ولایتی، علی اکبر، ((تاکید بر ارزشهای اسلامی)) مجله سیاست

جمهوری اسلامی ایران مصرانه و صادقانه در پی صلح و ثبات پایدار و همزیستی مسالمت آمیز در جهان است و عملاً نیز ثابت کرده است که بزرگترین حامی صلح و ثبات در منطقه بویژه در کشورهای همسایه است.

ج) تاکید به اصل همزیستی مسالمت آمیز: جمهوری اسلامی ایران همواره خواهان دوستی و احترام متقابل با تمام کشورهای جهان بوده است، و در این رابطه در سیاست خارجی خود گامهای موثر نیز برداشته است تا سیاست صلح جویانه آن به تمام کشورهای بخصوص کشورهای منطقه آشکار شود. آقای حبیبی معاون اول رئیس جمهور وقت در این رابطه می گوید: « صلح و همزیستی مسالمت آمیز از اصول اساسی اسلام است و

جمهوری اسلامی ایران با این اعتقاد در جهت حل مسالمت آمیز بحرانهای منطقه ای تلاش می کند.»^{۱۵}

از لحاظ مواضع منطقه ای، در اتخاذ مواضع کلی نسبت به خاورمیانه، جمهوری اسلامی ایران با حضور بیگانگان در منطقه مخالفت کرده، نیروی توازن بخش را پذیرفته است و بر همکاری منطقه ای، ثبات و امنیت منطقه ای، ضرورت خلع سلاح هسته ای، ایجاد مناطق عادی از سلاحهای هسته ای و بر اصل عدم مداخله تاکید کرده است. مواضع کلی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس نیز در برگیرنده تاکید بر نفی سلطه، مخالفت با بیگانگان، مخالفت با سیاست تفرقه افکنی، تاکید بر تقویت تفاهم و اعتماد، تاکید بر توسعه

^{۱۵} روزنامه اطلاعات، ۲۷ آبان ۱۳۷۵

روابط متقابل، تاکید بر همکاری منطقه ای، تاکید بر ثبات و امنیت منطقه ای تاکید بر امنیت جمعی بوده است و در مورد همین منطقه پایبندی خود را به موازین بین المللی اعلام کرده است. اصل حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات (مذاکره)، روابط مودت آمیز، روابط مبتنی بر حسن همجواری، و اصل عدم مداخله را مورد تاکید قرار داده است.

و در این زمینه نهایت سعی خود را برای یکپارچگی منطقه و امنیت کشورهای موجود بدست خودشان و عاری از بیگانگان به انجام رسانیده است.^{۱۶}

^{۱۶} فاطمی، سید محمد. پایان نامه کارشناسی ارشد با موضوع تأثیر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران «در دو دوره آقای هاشمی و آقای خاتمی» بر گروههای مقاومت اسلامی فلسطین «جهاد اسلامی و حماس». ص ۴۶

بخش چهارم: تحلیل تغییر الگوی رفتاری سیاست خارجی به مصالحه و همزیستی

در این برهه الگوی رفتاری سیاست خارجی به مصالحه و همزیستی تغییر یافت و زندگی در سایه مناسبات با سایر ملل مورد اهتمام قرار گرفت. تلاش دولت آقای رفسنجانی بر رفع تحریم اقتصادی غرب، کاهش فشارهای بین الملل، رفع ویرانی های ناشی از جنگ ایران و عراق و کاهش برخوردهای سیاسی - اجتماعی داخلی تمرکز یافت، و در راستای بازیابی جایگاه منطقه ای ایران و تغییر جهت موازنه منطقه ای به نفع جمهوری اسلامی به ایفای نقش مطلوب و افزایش نفوذ منطقه ای تاکید گردید. در این مقطع، بنای سیاست

خارجی ایران بر اساس اصول ((عزت، حکمت و
مصلحت)) قرار گرفت.^{۱۷}

بند اول: کاربرد نظریه بازیها در بررسی رقابت و همکاری در روابط بین الملل

نظریه بازیها بر نوعی استدلال انتزاعی، حاصل تلفیق
منطق و ریاضیات، استوار است. تقریباً تمامی نظریه
پردازان بازیها بر این عقیده اند که نظریه مورد استفاده
آنها مورد توجه شیوه رفتار بالفعل در وضعیت های
منازعات نیست بلکه بر رفتار موسوم به رفتار صحیح
عقلایی در وضعیت های منازعه آمیزی ناظر است که
طی آنها شرکت کنندگان در منازعه سعی در بردن
دارند. به اقتضای تجزیه و تحلیل نظری است که نظریه

^{۱۷} دهشیری، محمد رضا، ((چرخه آرمان گرایی و واقع گرایی در سیاست
خارجی جمهوری اسلامی ایران)) فصلنامه سیاست خارجی، سال پانزدهم،

پردازان بازیها رفتار عقلایی را مفروض می انگارند چرا که این فرض را برای نظریه پردازی پیش از فرض معکوس آن مفید تشخیص داده اند.

نظریه پردازان روابط بین الملل و نظریه پردازان بازی ها به پندارهایی نظیر این قائلند چنانچه افراد در یک وضعیت معین خواهان کسب پیروزی یعنی حصول هدفی که طرف دیگر در صدد محروم ساختن آنها از آن است باشند و به فرض این که هر یک از دو طرف معتقد باشند حریفشان نیز همچون خود وی محاسبه گرانی عقلایی و به اندازه خود علاقمند به حدس اقدامات طرف مقابل خویش می باشند در صورتی که هر طرف برای گیر انداختن حریف تلاش نماید در این حال می توان به دسته بندی آن گونه فرآیندهای فکری پرداخت

که افراد یا دولت‌ها بر اساس آنها در مورد نوع اقدامی که با بیشترین احتمال برایشان سودمند است به محاسبه می‌پردازند.^{۱۸} در واقع هر بازی به وسیله عناصر زیر مشخص می‌شود:

بازیکنان که بنا به فرض سعی در کسب پیروزی یا بهینه کردن نتایج دارند.

پرداخت‌هایی که ممکن است برای بازیکنان مختلف بسته به نظام‌های ارزشی آنها معانی مختلفی داشته باشد.

مجموعه‌ای از قواعد زیر بنایی مناسب برای بازی.

^{۱۸} جیمز دوئرتی، رابرت فالتز گراف "نظریه‌های متعارض در روابط بین الملل" ترجمه علیرضا طیب، وحید بزرگی، تهران، انتشارات قوس ص

شرایط اطلاعاتی که تعیین کننده چند و چون آگاهی هر بازیکن از محیط اطراف و انتخاب های بلافاصله یا با تاخیری است که توسط بازیکن یا بازیکنان دیگر صورت گرفته است.

محیط کلی که بازی در آن اجرا می شود قطع نظر از اینکه بازیکنان آن را به طور کامل درک کنند یا نه ، فعل و انفعالات حرکتی رقابت آمیزی که طی آن هر یک از انتخاب های متوالی یک بازیکن (بازیکنان) دیگر را تشویق به اصلاح انتخاب های بعدی خویش سازد.

روابط بین الملل به مثابه یک بازی

روابط بین الملل یا عملکرد نظام بین الملل را نمی

توان صرفا در داخل چارچوب تحلیلی یک بازی به طور

کامل درک کرد. ولی الگوها و فرآیندهای روابط بین الملل غالبا ویژگیهای بازی گونه معینی را از خود متجلی می سازد. از آنجا که نظریه بازیها و بازی سازی روابط تنگاتنگی با تصمیم گیری و چانه زنی دارند لذا احتمالا برای مطالعه روابط بین الملل و سیاست بین الملل که در آن معمولا صحبت از انجام حرکتی بر روی صفحه شطرنج دیپلماسی، به کارگیری اهرم چانه زنی و تلاش برای حدس زدن اقدامات حریف یا گیر انداختن حریف است، مناسب می باشند. در تحلیل

نهایی درک بازی سیاست بین الملل با تمام پیچیدگیهایش چه برای ذهن بشر و چه برای بزرگترین ماشین های محاسبه گر، بی نهایت دشوار و شاید غیر ممکن است. با این وجود، در عین اعتراف به محدودیت های نظریه بازی ها باز هم می توان آن را ابزار سودمندی

برای طرح فرضیه هایی دانست که ممکن است موجب روشن تر شدن مطالعه گزینه های استراتژیکی شوند که پیش روی تصمیم گیرندگان سیاست خارجی قرار دارند.

بخش پنجم: بررسی انواع بازیها در روابط بین الملل به طور کلی

بند اول: بازی با حاصل جمع جبری صفر

متداول ترین تفکیک مقدماتی که در نظریه بازیها صورت گرفته است، تفکیک میان بازی با حاصل جمع صفر و بازی با حاصل جمع غیر صفر است که هر یک انواع خاص خود را دارند. در یک بازی با حاصل جمع صفر بین بازیکن الف و ب، میزان امتیازی که بازیکن الف به دست می آورد بازیکن ب به همان اندازه

امتیاز از دست می دهد و عکس آن نیز صادق است یعنی به هر میزان که بازیکن ب امتیاز به دست بیاورد، بازیکن الف امتیاز از دست می دهد. در بازی با حاصل جمع جبری صفر، جمع جبری تمام پرداختهایی که به همه بازیکنان صورت می گیرد برابر صفر است. به ترتیبی که هر میزان که یک بازیکن می برد، بازیکن یا بازیکنان دیگر به ناچار آن را از دست می دهند. رقابت در نامزد انتخاباتی بر سر یک کرسی مجلس و یا بازی شطرنج نمونه ای از بازی های با حاصل جمع جبری صفر می باشند.^{۱۹}

^{۱۹} پایان نامه عوامل موثر بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با دولت اسلامگرای ترکیه در قبال دولت جدید عراق. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. ص ۲۹

بند دوم: بازی با حاصل جمع غیر صفر یا حاصل جمع متغیر^{۲۰}

این بازی از آن جهت که برد یک طرف لزوماً به معنای باخت طرف دیگر نیست، صرفاً رقابت آمیز نمی باشد. در این بازی جمع جبری بردها و باختها ضرورتاً نباید صفر شود. بازیهای با حاصل جمع غیر صفر می توانند فقط شامل دو بازیکن یا تعداد بیشتری از بازیکنان باشند. در این بازی هم عنصر تعارض و هم عنصر همکاری از اهمیت برخوردار است. در برخی از دفعات اجرای بازی هر دو بازیکن یا برخی از بازیکنان خواهند برد و در پایان بازی هر دو بازیکن یا برخی از بازیکنان به درجات مختلف می توانند پیش تر از دیگران باشند.

^{۲۰} Non-zero-sum game

در یک بازی با حاصل جمع غیر صفر غالباً چندین پرداخت مختلف وجود دارد که برخی از آنها بسیار خوب و بسیار بد و برخی تا حدودی خوب یا بد هستند. پرداختها بستگی به این دارد که آیا بازیکنان با یکدیگر همکاری می کنند، گلوی همدیگر را می فشارند، یا استراتژی های تعارض خود را به درجات مختلف با هم تلفیق می کنند. بازی های دو نفره با حاصل جمع غیر صفر را می توان بر اساس همکاری یا بر اساس همکاری نیز اجرا و تعریف نمود. در یک بازی بر اساس عدم همکاری ارتباط برقرار کردن آشکار مجاز نیست بلکه گزینه هر طرف تنها بعد از اجرای بازی برای دیگری آشکار می شود.^{۲۱}

^{۲۱} جیمز دوئرتی، رابرت فالتز گراف، پیشین، ص ۷۸۳

در بازی با حاصل جمع متغیر صرفاً تعارض بر سر
منافع بازیگران حاکم نیست بلکه بازیگران
می توانند با اتخاذ استراتژیهای انتخابی خود بر سرنوشت
جبری واقعیات مبادلاتی بین خود تاثیر بگذارند. با عنایت
به تئوری بازی ها در روابط بین الملل اگر کشور عراق را
صحنه بازی فرض کنیم، دو کشور ایران و ترکیه هر
کدام با دلایل مختلفی دارای منافع حیاتی در عراق می
باشند، ترکیه که ادعای تاریخی نسبت به مناطقی از
شمال عراق دارد، همواره تلاش نموده است که از این
روند برای به انحاء مختلف از جمله حمایت از اقلیت
ترکمن ساکن در منطقه جهت دستیابی به دو هدف
اقتصادی و امنیتی یعنی سرکوب اکراد و تداوم صدور
نفت عراق از طریق خط لوله ترکیه بهره برداری نماید و

در این روند مداخله قدرتهای خارجی را تحدید و تهدید کننده خود تلقی کرده است. ایران نیز نه تنها نگرانی های سیاسی و امنیتی و اقتصادی ندارد، بلکه اشتراکات قومی و مذهبی با شیعیان و اکراد موجب تقویت نفوذ و تصمیم گیری سیاستمدارانش شده است. از طرف دیگر هر دو کشور ایران و ترکیه در عراق دارای علایق و اختلافاتی هستند که الزاما آنها را به همکاری و گاه رقابت سوق می دهد. هر دو کشور با توجه به حوادث کردستان عراق از آینده سیاسی این کشور و تهدید امنیت ملی خویش ناچار به همکاری هستند و از طرف دیگر اشتراکات مذهبی ایران و اکثریت جمعیت شیعیان موجب بدبینی ترکها نسبت به ایران و رقابت میان دو کشور شده است. لذا کسب امتیازات برای ایران و ترکیه در این صحنه بازی می تواند در زمینه های سیاسی،